

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

محسن رضوانی
۰۶ سپتمبر ۲۰۲۲

سرنوشت ایران را طبقه کارگر رقم خواهد زد

شروع کردم به نوشتن، مثل هر آغازی در جست و جوی یافتن پیش پرده ای بودم تا با خواننده مسیری را که طی خواهم کرد در میان بگذارم. به سال های پس از شهریور - سنبله - بیست پرتاب شدم:

* اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، به زیر کشیدن رضا شاه و تبعید او به جزیره ای متروک در جنوب افریقا؛
* یاد اقدام ضد دموکراتیک محمد رضا شاه علیه دکتر محمد مصدق نخست وزیر قانونی وقت، قهرمان زمانه خود در مبارزه با امپریالیسم انگلیس که خون مردم ایران را به مدت طولانی مکیده بود، قیام پرشور و پیروزمند مردم در سی ام تیر - سرطان - ۱۳۳۱ برای باز گرداندن مصدق به نخست وزیری؛

* یاد کودتای منحوس امریکائی ۲۸ مرداد - اسد - ۳۲ که بالاخره شاه و روحانیت به رهبری آیت الله ابوالقاسم کاشانی، دست در دست "سیا" سازمان جنایتکار جهانی امریکا، توانستند حکومت مصدق را براندازند، وزیر امور خارجه دکتر فاطمی را دستگیر و اعدام کنند و زمینه را برای یک سرکوب و قتل عام کلیه نیروهای چپ و کمونیست فراهم سازند، یاد اعدام افسران وفادار به طبقه کارگر، یاد خسرو روزبه قهرمان زمانه خو؛

* یاد تیتو درشت روزنامه عصر تهران افتادم "شاه رفت" داستان معروف ویلیام شوکراس تحت عنوان "آخرین سفر شاه" مردی که تا مرگش همچنان امیدش به امریکا بود و هیچ گاه بازماندگانش را آگاه نکرد که سزاوار یک دوست تمام عمری امریکا نبود که همچون "یهودی سرگردان" بیمار و در به در و تنها بمیر؛

* اگر بر این سیر تاریخی سرنوشت حاکمانان، روی کار آمدن خمینی و بیش از چهار دهه استقرار رژیم ولایت فقیه را هم اضافه کنیم آنوقت چه پاسخی می توان به پرسش ایران به کجا می رود می توان داد؟ آیا یکبار دیگر سرنوشت ایران را امپریالیسم امریکا تعیین می کند؟ آیا خامنه ای را هم مانند ظواهری از راه دور و با کمک اسرائیلی ها که مدعی اند تا بیت خامنه ای جاسوس کاشته اند ترور خواهند کرد؟ یا سرنوشت قذافی را برایش نوشته اند در گام اول امضای برجام و خم شدن قهرمانانه و سپس توطئه جنگ داخلی و تجزیه ایران؟

پاسخ من با تمام اینهمه ناکامی های مردم و خیانت های نظام های حاکم منفی است. باور دارم.

نه ایران دیگر چنین مسیری را نخواهد پیمود. این راه دیگر به بن بست رسیده و غروب سلطه ابر قدرت بلامنازع جهان فرا رسیده است. کارگران ایران نخواهند گذاشت جامعه بار دیگر به دست مشتی سرمایه دار استثمارگر، دزد و مافیای بیفتد. بگذارید مسیر گورکنان تاریخ را، این سازندگان واقعی تاریخ را که در قرن ۲۱ هرچه بیشتر بر نقش و وزنه

اجتماعی خود می افزایند و به آگاهی تاریخی نجات دهنده کل بشریت خود، هرچه بیشتر پی می برند، دنبال کنیم. از سلوک و سرنوشت پادشاهان و حاکمان گفتیم جای دارد از توده ها و کارگران و مسیر درخشان آزادی آنها هم شمه ای بگوئیم :

مسیر بردگان، رعایا و هیچ بودگان، بستر واقعی تکاملی جامعه است؛ کهن و شاید کهن ترین جوامع، که از قلمرو ضرورت به قلمرو آزادی همچنان به پیش رفته است. درست از این منظر است که سخت بر این باوریم سرنوشت ایران حتماً به دست توده ها و طبقه کارگر در پیشاپیش آن، رقم خواهد خورد.

قبل از ورود به اوضاع مشخص کنونی، خوبست از خود بپرسیم ایران این گریه هوشیار زمانه کیست و چیست که این روزها عشوگر هر مجلسی است و کاخ سفید امریکا، آن را در لیست دشمنان خود گذاشته و در ردیف چین و روسیه به شمار می آورد و در این سالهای طولانی با شدیدترین تحریم ها در صدد است حکومتش را به تسلیم در برابر خواست هایش وادارد یا اگر نشود با تجاوز مستقیم نظامی، انقلاب مخملی یا کودتا و شاید یکجا آن را بر اندازد؟

ایران کشوری باستانی و در گذرگاه ستر اتیژیک سیاست جهانی

همه کشور های جهان طبعاً ویژگی های ملی خاص خود را دارند و درست به خاطر آن در دوران تاریخی دولت- ملت نام کشوری به خود گرفته اند اما ایران قرن ها قبل از آن سرزمینی با مرزهای شناخته شده، حکومت های محلی و مرکزی تا وسعت اولین امپراتوری جهان بوده است.

قبل از اختراع دیگ بخار و صنعتی شدن انگلیس، چین، هندوستان و ایران جزو پیشرفته ترین سرزمین های تولیدی جهان بوده اند و ایرانیان سهم بر جسته ای در تکامل تمدن بشری در کلیه زمینه ها داشته اند، به گفته هگل اندیشیدن در محدوده این سر زمین آغاز شده و جهش انسان شکارچی به انسان کشاورز که خود تحولی است بس عظیم در ایجاد جوامع بشری در همین منطقه آغازیده است. قنات زائیده اندیشه های اولین مهندسان جهان، در خدمت آبیاری مزارع کشاورزی در ایران قبل از میلاد ساخته شده است. ایران مردمانش قرن ها در منطقه وسیعی بدون هیچ گونه بند و قیدی در رفت و آمد و گشت و گذار بوده اند، جهانی اند. تحقیقات علمی در این سال ها نشان می دهد یکی از قوم های پر رنگ و رو با سیمای جهانی اند، از افریقائی گرفته تا هندواروپائی مخلوط دارند. برای قرن ها اقوام گوناگونی از یونانیان و رومیان گرفته تا اعراب و مغولان در آنجا رفت و آمد داشته و سکنی گزیده اند. برجسته ترین ویژگی اش که یادگاری تاریخی اجداد پرتاریای ایران امروز است، قیام بردگان در دوران بردگی و قیام های دهقانی در دوران پیشرفته تر تولید کشاورزی است. طبق شواهد تاریخی اسپار تا کوس رهبر بردگانی که علیه امپراتوری روم قیام می کنند ایرانی بوده است. قیام های مزدکیان و زنگیان، خیزش های عظیم طبقاتی دوران سازی بوده که نقش تعیین کننده ای در تکامل تاریخی جامعه امروزی ما داشته و به ویژگی های ایران امروز نام و نشان باز هم پررنگ تری داده است.

از این دوران باستانی که عبور کنیم و به دوران استعمار و امپریالیسم عصر کنونی برسیم باز هم ایران یکی از کشورهای ویژه جلوه می کند. در زمانی که قدرت های اروپائی همه قاره ها را به تسخیر خود در آورده اند. ایران با این که بخش هائی از آن را در جنگ های طولانی روس ها و انگلیسها از آن جدا می کنند، اما همچنان به عنوان یک کشور می تواند خود را جمع و جور کند و باقی بماند. این مبارزه تاریخساز میان بود و نبود یک سرزمین باستانی و قدرت های تجاوز گر استعماری و امپریالیستی تا به امروز همچنان باقی است.

ایران معاصر در روندی سخت و بگرنج تکامل یافته است

۱- آنچه از میان ویژگی های گوناگون ایران شاید بتوان گفت، اینست: از رومیان گرفته تا یونانیان، از عربها گرفته تا مغولان و ترک ها و ازبیک ها، از انگلیسی ها گرفته تا روس ها و در دوران معاصر امپریالیسم امریکا برای تسلط بر این سرزمین و تجزیه آن تلاش کرده اند اما ناکام شده اند. درک این ویژگی برای جنبش کارگری و کمونیستی ایران دارای اهمیت است.

۲- دومین ویژگی حفظ هویت تاریخی یک سرزمین مشترک ملت ها، فرهنگ ها، مذاهب و آداب و رسوم مردمی اقوام در طی این سال ها به ویژه در دوران معاصر جدالی دائمی بین دو شیوه تفکر متضاد جریان داشته است: شیوه یک دست کردن، الگو برداری و کپی برداری از یک سو و شیوه حرکت از ویژگی های این جامعه تاریخی – فرهنگی، اندیشیدن مستقل و تلفیق اصول کمونیسم با شرایط مشخص. طبعاً برای کشوری مثل ایران که سر راه کلیه تمدن ها و ادیان جهان قرار گرفته و جامعه اش تنیده از ملیت ها، ادیان و قوم های گوناگون است آموختن از تجارب دیگران غنیمت بوده است ولی در دوران اخیر تلاش حکومت پهلوی ها برای عملی کردن الگوی اروپائی و حکومت کنونی اسلامی برای عملی کردن الگوی حجازی اسلامی چهارده قرن پیش، هرج و مرجی به وجود آورده که هماهنگی کل جامعه را به هم زده و جامعه را نه تنها از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بلکه از لحاظ اخلاقی و فرهنگی به لبه پرتگاه و اضمحلال کامل کشانده است. اما در برابر این گرایش های ضد مردمی، خوشبختی در اینست که حرکتی از پائین میان کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و معلمان همواره موجود بوده که با ملات همبستگی طبقاتی راه اندیشیدن با فکر خود، حرکت از شرایط مشخص ایران و توجه به مبارزات توده ها در کف خیابان ها را باز کرده است و نتیجه و ثمره آن را در شکست چهار دهه تلاش حاکمیت اسلامی که ایران را بار دیگر اسلامیزه کند، شاهد هستیم.

۳- سومین ویژگی ایران ورود مارکسیسم به ایران، ایجاد تشکلات کارگری تاسطح سازماندهی تشکیلات متحد و سراسری کارگری و حزب کمونیست و استقرار اولین جمهوری سوسیالیستی در گیلان. در برابر آلترناتیو راه سرمایه داری و وابسته به امپریالیست ها از همان دوران انقلاب مشروطیت یک آلترناتیو که کارگران پرچم دارش بودند پا گرفته است و هر روز با رشد کمی و کیفی طبقه کارگر با نفوذ تر شده است. بورژوازی ایران در دورانی پای به میدان گذاشت که ابر قدرت های اروپائی در پی گسترش نفوذ و تقسیم مجدد جهان بودند، آنها چنان توهمی داشتند که باهمراه و همسو شدن با این قدرت ها می توانند ایران را چون اروپا کنند. نمایندگان سیاسی آنها هم چون پاندولی آویزان به این و آن سو بین این قدرت ها در نواسان بودند. در برابر این طبقه و به ویژه خرده بورژوازی بوروکراتیک سیاسی، نظامی و اداری و مذهبی حاکم، طبقه کارگر ایران راه مستقلی را برای تغییر ریشه ئی جامعه طبق شرایط مشخص و خواست های اکثریت عظیم مردمان درپیش گرفته است. امروز این طبقه و کلیه جنبش های توده ئی و اجتماعی کلیه احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی را به نبرد فراخوانده اند تا به آنها بپیوندند، کمونیسم را طبق شرایط مشخص به کارگیرند و درستی و نادرستی مشی خود را در عمل به آزمایش بگذارند.

پیروزی آلترناتیو کارگری با هدف انقلاب سوسیالیستی حتمی است

اکنون به جایی رسیده ایم که با هم می توانیم به پرسش ایران به کجا می رود پاسخ دهیم. روشن است پاسخ به چنین پرسشی که تلاش کرده ایم بر اساس واقعیات و داده های صحیح باشد، محتاج موضع طبقاتی کارگری و شیوه تحلیل ماتریالیست دیالکتیکی است، زیرا رسیدن به حقیقت علاوه بر آمار درست و مکفی، احتیاج به موضع درست و شیوه تحلیل ماتریالیستی – دیالکتیکی کمونیستی دارد. برای مثال حزب ما که خود را جزوی از طبقه کارگر می داند واکثر

کمونیست ها خیزش های نود و شش و نود و هشت توده ها را ستودند و از آن با دل و جان پشتیبانی کردند در حالی که بورژوازی حاکم آن را جنبش فتنه انگیزان و وابسته به بیگانگان نامید. بنابراین پاسخ ما به پرسش ایران به کدام سو می رود از منظر طبقه کارگر و تحلیل تاریخی و دیالکتیکی پدیده هاست: **ایران به سوی انقلابی ریشه نی سوسیالیستی می رود**، چنین است نتیجه گیری ما - اما تحقق چنین انقلابی بی شک از روندی سخت و بغرنج و طولانی می گذرد. چرا چنین است؟ این از صف آرائی این دو آلترناتیو طبقاتی در جامعه کنونی ایران و اوضاع جهان برمی خیزد:

یکم - ناتوانی طبقه بورژوازی ایران و خیانت او به انقلاب دموکراتیک

ما در این زمینه بارها توضیح داده ایم که چگونه بورژوازی ایران شریک غارتگری های سرمایه داری جهانی عمل کرده است و بحران کنونی سرمایه داری ایران درست از دنباله روی سرمایه داری جهانی و عملی کردن سیاست نئولیبرالیستی است. دست به دست شدن قدرت سیاسی از یک آلترناتیو بورژوازی به آلترناتیو دیگر، زیر هر رنگ و لعابی - ملی، ملی - مذهبی و اسلامی در این صد ساله، نتیجه ای جز وابستگی اقتصادی، استثمار شدید توده ها و غارت منابع طبیعی ایران را نداشته است. آگاهی به این واقعیت تاریخی و رشد مبارزات کارگران، جنبش های اجتماعی را به مبارزه برای یک تغییر ریشه نی ضد نظام سرمایه داری سوق داده است. براین باید بحران ساختاری سرمایه جهانی را هم اضافه کرد.

دوم - فروماندگی و در ماندگی دولت ولایت فقیه

چهار دهه سلطه بلامنازع روحانیت و دارودسته فدائیان اسلام نوع خمینی زیر نام جمهوری اسلامی بر اثر گفتار دروغ و پوچ و کردار ضد مردمی و ضد کمونیستی، همراه با زور و شکنجه و اعدام به پایان رسیده است. تضاد فرقه های درون حاکمیت با یک دست کردن حکومت توسط خامنه ای به آتش زیر خاکستر تبدیل شده، فساد چنان در تار و پود نظام اسلامی تنیده شده که بوی تعفنش سراسر ایران را فرا گرفته است. یک دست کردن حکومت هم تأثیر همچنانی در روند فروماندگی نظام به وجود نیاورده است. مافیای قدرت اقتصادی ایران که مثنی کوچک را تشکیل می دهند ماهیتاً سفته خوار و در پی غارت و چپاول اند. امروز اکثریت عظیم مردم دیگر از نظام ولایت فقیه گذر کرده اند و خواهان سرنوشتی آن هستند. "**اصلاح طلب، اصول گرا، دیگر تمام شد ماجرا**" به شعار عمومی تبدیل شده است.

سوم - گسترش نیروی عظیم کارگری و همسوئی کلیه جنبش های توده نی

در آن سوی موازنه نیروهای طبقاتی، طبقه کارگر و متحدان نزدیکش هر روز بیش از پیش در سرنوشت جامعه کنونی، نقش می آفرینند. قطبی شدن جامعه بین اکثریت عظیمی از ستمکشان و استثمار شونده ها و مثنی کوچکی ستمگر مرتجع و فاشیست، زمینه عینی را برای به ثمر رساندن انقلابی اجتماعی فراهم ساخته است. در دو دهه گذشته با تمام سرکوب ها و دستگیری ها، کارگران همچنان به امر سازماندهی خود دل بسته اند، جنبش های اجتماعی بر دامنه گسترش خود افزوده و سیر تکاملی آگاهی طبقاتی همچنان در حال رشد است. طبقه ای وسیع و گسترده، در مقابل طبقه ای کوچک، کارگر در برابر سرمایه دار، نظام سرمایه داری اسلامی نئولیبرالیستی، در برابر نظامی اجتماعی، سکولار و دموکراتیک یعنی سوسیالیستی قد علم کرده اند. این تحولی است بزرگ، تاریخی، اجتماعی و سیاسی. نشانی از پیوندی بیش از صد سال از تئوری های مارکسیستی با جنبش کارگری ایران دارد.

چهارم - ورشکستگی کامل ایدئولوژی دینی اسلامی و دموکراسی امپریالیستی

انقلاب بهمن - دلو - پنجاه و هفت در ایران یکی از چند حوادث نادر توده نی جهان محسوب می شود. حرکتی بود از پائین جامعه که کارگران به ویژه کارگران بخش صنعتی اقتصاد ایران در آن با اعتصاب خود نقش مهمی را در پیروزی ایفاء کردند. اما امپریالیسم با دخالت گری مستقیم جاسوسان و عواملش قادر می شود مرتجع ترین بخش

مخالفان رژیم شاه را به قدرت برساند. این اولین بار نبود که روحانیت در ایران قدرت سیاسی را کاملاً تصاحب کرد، از دیر باز حتی قبل از اسلام، روحانیت در سیاست دخالت گر بوده است. اما این بار سید با چراغ آمده بود تا با خدعه به گفته خودش برد کالای بیشتر. خمینی به قدرت بلا منازع تبدیل شد و نه تنها آرزوی فتح قدس را در سر پروراند، بلکه ایرانی با امت اسلامی و شیعه گرا را می طلبید. ذهنیگری باز هم شکست؛ چنین است منطق مرتجعان جهان. نتیجه آن پس از چهار دهه جنگ و کشت و کشتار، شکنجه و زندان و اعدام شکست کامل حاکمیت روحانیت، رد امت، حجاب اجباری و نظام ولایت فقیه است. امروز ایران به یکی از سکولار ترین کشورهای منطقه تبدیل شده است.

پنجم – گرایش وحدت طلبانه میان احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی ایران

با رشد و گسترش جنبش کارگری و دیگر جنبش های توده ئی در ایران در دو دهه اخیر شرایط برای یکی شدن احزاب و تشکل های مارکسیستی هر روز بیشتر فراهم می شود. آموزش های شاه رخ زمانی در امر سازماندهی سه گانه کارگری نقشی در جهت همسوئی و وحدت نیروهای چپ داشته است. بسط و گسترش دموکراسی درون حزبی، نقد نظرات دگماتیستی و الگوبرداری، نقد ریشه های فردگرایی خرده بورژوازی، طبقه کارگر را در مرکز فعالیت های آنها قرار داده و ایجاد حزب پیشرو پرولتاریائی، وحدت نیروهای چپ و کمونیستی را با جنبش کارگری پیوند زده است.

ششم – گرایش جهانی علیه سرمایه داری و امپریالیسم و رشد آلترو ناتیو کارگری سوسیالیستی

بحران ساختاری سرمایه داری، شکست های کلیه جنگ های نیابتی امپریالیستی، بحران بی سابقه محیط زیست که بود و نبود کره زمین را زیر سوال برده است، ناتوانی نظام سرمایه داری برای مقابله با دردها و آلام جهانی بشریت، درد همگانی چون کوید نوزده و... تضاد بین مالکیت انحصاری مشتی کوچک که هر روز بر ثرویشان افزوده می شود و لشکر میلیاردری استثمارشوندگان و ستمکشان که در چرخ اجتماعی تولید نقش تعیین کننده دارند، رشد جنبش های کارگری سوسیالیستی و توده ئی را هر روز بیش از پیش نیرو می بخشد. همبستگی کارگری و جنبش های توده ئی بار دیگر در حال انسجام بیشتر است.

جمع بندی

پیروزی طبقه کارگر انقلاب سوسیالیستی و کمونیستی حتمی است اما دشمنان آن هنوز نیرومند و سر سختند و به آسانی صحنه را ترک نخواهند کرد. در سمت طبقه کارگر هنوز برای مقابله با این دشمن جهانی کار هست که باید انجام شود، هزاران کار ما را برای انجامشان فرا می خوانند، همین امروز فردا خیلی دیر است.

بر ماست که به عنوان گردانی از لشکر جهانی پرولتاریائی ایران در صفی متحد برای بسط و گسترش و سازماندهی جنبش کنونی کارگری ایران تلاش کنیم و تماماً و کاملاً خود را وقف پیروزی انقلابی طبقه کارگر، گورکن سرمایه داری کنیم.

بر ماست در صفی متحد برای بسط و گسترش کلیه جنبش های توده ئی مطالباتی کوچک و بزرگ مبارزه کنیم و تشکیلات سراسری و یک پارچه زنان و مردان ستمکش و استثمار شونده را به وجود آوریم .

بر ماست در پیوند با طبقه کارگر، با حرکت از نکات مشترک نیروهای چپ و کمونیست را برای ایجاد حزب پیشرو طبقه کارگر مبارزه کنیم .

محسن رضوانی مرداد- اسد- ماه ۱۴۰۱/ حزب رنجبران ایران ۲، سپتامبر ۲۰۲۲